

کچکول میر جمال الدین محمد حسینی جامی و بازتاب اندیشه تسنن دوازده امامی در آن*

محمد رضا ابونئی مهریزی^۱

چکیده

یکی از اشکال برجسته حیات فکری اهل سنت و جماعت، مربوط به طیفی از ایشان است که توجه توأمان به خلفای راشدین همراه با اعتقاد به ائمه اثنی عشر (ع) را در دایره باورهای مذهبی خود لحاظ می‌داشتند. مقاله حاضر، با استناد به اجزاء و رسایل متنوع مجموعه‌ای خطی به قلم میر جمال الدین محمد حسینی جامی، از صوفیان حنفی مذهب سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری، نحوه انعکاس این اندیشه را که کاتبش آن را کچکول (کشکول) خویش نامیده، بررسی کرده است. مطالعه حاضر از اهتمام ویژه کاتب صوفی مشرب این مجموعه خطی به متون اهل سنت خاصه در حوزه‌های علایق تیموریان و گرایش‌های مذهبی اهل تسنن خراسان و هندوستان و در عین حال ارادت وی نسبت به اهل بیت (ع) و مراثی ایشان و اقبال او نسبت به مضامین شیعی و دودمان صفوی حکایت دارد. از اینرو می‌توان آن را به عنوان نمونه‌ای مجسم از اندیشه و آمیزه‌ای متوازن از گفتمان شیعه و سنی موسوم به تسنن دوازده امامی، محسوب داشت. واژگان کلیدی: تیموریان، صفویه، جمال الدین محمد حسینی، کچکول، تشیع اثنی عشری، تسنن دوازده امامی.

The Kachkul of Mir Jamal Al-din Mohammad Husaini Jami and the Reflection of the Twelver Sunnite's Thoughts in It

Mohammad Reza AbuiMehrizi²

Abstract

One of the most prominent forms of intellectual life among the Sunnites is the one that relates to a group of them who have a joined attention to Orthodox caliphs along with the belief in the Twelve Imams in the circle of their own religious beliefs. The present article studies the reflection of this thought in manuscript miscellanea which is called Kachkul (kashkul) by its writer because of various components and treatises of manuscript miscellanea written by Mir Jamal Al-din Mohammad Husaini Jami: the Hanafite Sufi of the eleventh and twelfth centuries. Present study represents the special attention of this mystic writer of manuscript Miscellanea to the texts of Sunnite, particularly in the field of Timurids interests and religious tendencies of The Sunnites of Khurasan and India, admiring the Ahl al-bait and their elegies and his fortune toward the contents of Shiite and Safavid dynasty. Therefore, it can be counted as an example of such a thought and balanced combination of Shiite and Sunnite discourse titled as Twelver Sunnite.

Keywords: Timurids, Safavids, Jamal Al-din Mohammad Husaini, Kachkul, Twelver Shiite, Twelver Sunnite.

مقدمه

گفتمان فکری موسوم به سنی دوازده امامی گو این که ذکری از نام آن در متون ملل و نحل دیده نمی‌شود و تا پایان عصر صفویان تنها از اواخر سده یازدهم هجری به تصریح صاحب ناشناخته رساله فتوح‌المجاهدین فی رد المتدلسین^۳ از مصطلح بودن آن آگاه هستیم،^۴ در بستر حیات فکری مسلمانان، یکی از اشکال بارز گرایش‌های مذهبی در میان طیف بزرگی از اهل سنت و جماعت است که نشانه‌های آن را دست‌کم از سده ششم هجری در قالب متون گوناگون اعم از تصانیف تاریخی، کتب سیره و مقاتل چون مجمل‌التواریخ و القصص^۵ در سده ششم، تذکره‌الخوادم من الائمة فی ذکر خصائص الائمة از سبط بن جوزی در سده هفتم، تاریخ‌گزیده حمدالله مستوفی^۶ در سده هشتم، روضه‌الشهدای ملاً حسین کاشفی در سده نهم و وسیله‌الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم (ع) از فضل الله بن روزبهان خنجی^۷ و روضات‌الجنان و جنات‌الجنان از درویش حافظ حسین کربلایی تبریزی^۸ در سده دهم هجری می‌توان یافت. گرایشی که در آن اعتقاد به خلفای راشدین همراه با ارادت و محبت به مقام ولایت ائمه اثنی عشر، تبلور یافته است. در این بین، علاوه بر تاریخ‌گزیده حمدالله مستوفی، منظومه تاریخی ظفرنامه وی، روضه اولی‌الالباب بناکتی فخرالدین داود بناکتی^۹ و نیز مرآت‌الادوار و مرقات‌الخبار مصلح‌الدین محمد

۳. گویا رساله مزبور توسط یکی از شاگردان و هواداران حکیم محمد مؤمن تنکابنی صاحب تحفه‌المؤمنین یا تحفه حکیم مؤمن و طبیب مشهور روزگار شاه سلیمان صفوی در سال ۱۰۹۰ هجری در دفاع از صوفیان امامیه اثنی عشری و پاسخ به اعتراضات اثر منتسب به عالم متشرع و تصوف‌ستیز معاصر وی، ملاً محمدطاهر قمی قاضی و امام جمعه قم در تقبیح آرای حکیم مؤمن در تبصره‌المؤمنین، نوشته شده است. چنانکه مصنف، صاحب تبصره‌المؤمنین را «سید نجیب میر محمد مؤمن طبیب» می‌نامد. (فتوح‌المجاهدین فی رد المتدلسین، نسخه خطی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۰۷۲۰، برگ ۱۲). رساله منتسب به ملاً محمدطاهر قمی به سال ۱۰۸۹ هجری در جواب به تبصره‌المؤمنین حکیم مؤمن نگاشته شده بود. (همان، برگ ۵). و متعاقب آن یک سال بعد، فتوح‌المجاهدین فی رد المتدلسین در مقام پاسگویی به آن رساله در قالب دوازده فتح نگاشته شد. (همان، برگ ۳-۲).
۴. همان، برگ ۱۱.

۵. مجمل‌التواریخ و القصص، تصحیح ملک‌الشعراء بهار (تهران: کلاله خاور، ۱۳۱۸)، ص ۴۵۸-۴۵۴.

۶. حمدالله مستوفی، تاریخ‌گزیده، تصحیح عبدالحسین نوائی (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴)، ص ۲۰۷-۱۹۲.

۷. فضل الله بن روزبهان خنجی اصفهانی، وسیله‌الخادم الی المخدوم در شرح صلوات چهارده معصوم (ع)، به کوشش رسول جعفریان (قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی؛ گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، ۱۳۷۲).

۸. حافظ حسین کربلایی تبریزی، روضات‌الجنان و جنات‌الجنان، ج ۲، تصحیح جعفر سلطان‌القرائی (تبریز: انتشارات ستوده، ۱۳۸۳)، ص ۳۴۸-۳۷۲.

۹. فخرالدین داود بناکتی، روضه اولی‌الالباب فی معرفه‌التواریخ و الانساب، تصحیح جعفر شعار (تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۸)، ص ۱۱۷-۹۰.

لاری^{۱۰} از جمله آثار تاریخ‌نگاری هستند که با برجستگی ویژه‌ای این اندیشه را در قالب روایت تاریخ‌نگارانه آن به دست داده‌اند. چنانکه حمدالله مستوفی در منظومه تاریخی خویش، ظفرنامه، در جریان ذکر حوادث روزگاران خلفاء و ائمه هدی(ع)، گزارش «وفات امام معصوم حسن عسکری رضی الله عنه» و «غیبت امام معصوم محمد المهدی رضی الله عنه» را ذیل خبر «خلافت امیرالمؤمنین المعتمد علی الله احمد بن المتوکل»،^{۱۱} خلیفه عباسی آورده است. این رویکرد به ویژه در میان عرفاء و صوفیان سنتی مذهب دوران مغولی، تیموری و صفوی رواج بسیار داشته است. این موضوع با توجه به اهمیت آن، خاصه در قالب مباحث مربوط به مناسبات و پیوندهای میان تشیع و تصوف، توجه برخی از پژوهشگران چون باسانی،^{۱۲} کامل مصطفی الشیبی^{۱۳} و رسول جعفریان^{۱۴} را به خود جلب کرده است.

توجه به این قرائت مذهبی، گذشته از اهل سنت، از نگاه شیعیان نیز به دور نبوده است. آن چنان که پیشتر نیز گذشت، بنا بر گزارش صاحب مجهول المؤلف فتوح المجاهدین فی رد المتدلسین به سال ۱۰۹۰ هجری قمری، مقارن عهد شاه سلیمان صفوی، قاضی ملا محمدطاهر قمی^{۱۵} از آن جریان فکری، تحت عنوان سنتی دوازده امامی یاد کرده است. چنان که صاحب فتوح المجاهدین، ملا محمدطاهر، قاضی و امام جمعه قم را متهم می‌سازد که به ناروا بر جمیع صوفیان شیعه تاخته و با این طرز تلقی که «صوفی شیعه در عالم نمی‌باشد»،^{۱۶} «جماعت صریح التشیع را سنتی دوازده امامی نام کرده» است.^{۱۷}

۱۰. مصلح‌الدین محمد لاری، مرآت‌الادوار و مرقات‌الآخبار، تصحیح سید جلیل ساغروانبان (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۳)، ص ۳۰۳-۲۶۱. (خاصه در زیرنویس صفحات ۳۰۳-۲۹۶ به نقل از دو نسخه «A»، کتابخانه آستان قدس رضوی به شماره ۴۱۵۵ و ML، کتابخانه ملی ملک به شماره ۳۹۱۵) از نسخه‌های خطی اثر مزبور).

۱۱. حمدالله مستوفی، ظفرنامه به انضمام شاهنامه ابوالقاسم فردوسی به تصحیح حمدالله مستوفی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی مورخ ۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا -OR.۲۸۳۳ (تهران - وین: مرکز نشر دانشگاهی و انتشارات آکادمی علوم اتریش، ۱۳۷۷ش؛ ۱۹۹۹م)، ص ۴۸۲-۴۸۱.

۱۲. آ. باسانی، «دین در عهد مغول»، تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلیخانان، ج ۵، پژوهش دانشگاه کیمبریج، گردآورنده جی. آ. بویل، ترجمه حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱)، ص ۵۲۰-۵۱۱.

۱۳. کامل مصطفی الشیبی، همبستگی میان تصوف و تشیع، ترجمه علی اکبر شهبانی (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳)؛ کامل مصطفی الشیبی، تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراکزلو (تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷).

۱۴. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی (تهران: نشر علم، ۱۳۸۸)، ص ۷۶۷-۷۶۰؛ ۸۵۰-۸۴۰.

۱۵. رسول جعفریان در مقاله‌ای تحت عنوان «فتوح‌المجاهدین و نقد ملا محمدطاهر قمی»، در مجله آینه میراث، سال چهارم، شماره ۳۳-۳۴ (مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵)، ص ۱۹۴-۱۸۰، رساله مزبور را معرفی کرده است.

۱۶. فتوح‌المجاهدین فی رد المتدلسین، برگ ۱۰ب.

۱۷. همان، برگ ۱۱ا.

اندیشه مذهبی مزبور در روزگار صفویان حتی در اواخر این دوره در دارالسلطنه اصفهان نیز حضور داشته است. چنان که سعیدای نقشبند یزدی، هنرمند حنفی‌مذهب در روزگار شاه سلیمان صفوی که همراه با پسرانش به هنر نقشبندی و شعربافی در اصفهان اشتغال داشت،^{۱۸} ضمن یکی از قصاید خود در دیوان خویش به روشنی از چنین باوری سخن می‌راند:

بو بکر پیشوای طریق شریعت است	من در طریق اویم و هم اوست مرشدم
عمر کند شفاعت من پیش مصطفی	در نامه گرچه هست گناهان بی‌حدم
نامت نگیرم از ادب ای صاحب دو نور	خاک ره تو به ز صفای زبرجدم
یا مرتضی علی ولی شاه با وقار	من هر چه هستم از تو اگر نیک اگر بدم
بعد از علی امام مشخص حسن بود	بعد از حسن، حسین بود در جهان علم
زین جهان و زینت عقباست عابدین	باقر امام بر حق و من خاک آن درم
گر آب لطف جعفر صادق رسد به من	شاید که از نهال صداقت ثمر خورم
سبب و خارجی شنوند این و غم خورند	موسای کاظم است امام مقرر م
تقوی ز ما برای تقی حق قبول کرد	باشد نقی امام زمین و زمانه‌ام
دادم رضای خود به رضای تو یا علی	موسی اگر رضاست ز من تاج بر سرم
یا رب به حرمت حسن عسکری که زود	مهدی کند خروج شود یار و یاورم
دارم هزار شکر سعیدا که در جهان	در مذهب حنیفه و دین محمد ^{۱۹}

از همان روزگار، میر جمال‌الدین محمد حسینی قادری ژنده‌پیلی جامی (زنده در ۱۱۲۰ق.) از عارفان حنفی‌مذهب سلسله قادریه در اواخر سده یازدهم و اوایل سده دوازدهم هجری را می‌شناسیم که با توجه به مجموعه‌ای خطی از وی موسوم به کچکول (کشکول) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی تحت شماره ۸۸۴۱،^{۲۰} صاحب چنین گرایش مذهبی بوده است. جمال‌الدین کتابت کچکول خود را طی سال‌های ۱۱۰۶ تا ۱۱۲۰ق. در اصفهان، قندهار، فراه و مشهد در روزگار سلطنت شاه سلطان حسین صفوی به انجام رسانده است.^{۲۱} او در دوره اقامت شاهزاده محمد اکبر فرزند اورنگ‌زیب

۱۸. محمدطاهر نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، تصحیح احمد مدقق یزدی (یزد: مؤسسه انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۷۹)، ص ۵۰۷ و ۶۳۲.

۱۹. سعیدا نقشبندی یزدی، دیوان سعیدا نقشبندی، تصحیح رضیه رضائی تفتی (تهران: انتشارات ثریا، ۱۳۸۷)، ص ۲۷۳-۲۷۲.

۲۰. اطلاع از وجود این نسخه کتابخانه مجلس برای نگارنده از طریق سید محمدحسین حکیم از محققان آن کتابخانه میسر گردید.

۲۱. سید محمد محیط طباطبایی سال‌ها پیش در مقاله‌ای تحت عنوان «پژوهشی در قطعه شعری منسوب به طاهره قره‌العین در کتب بهاییان»، مجله گوهر، شماره ۵۶ (سال ۲۵۳۶ شاهنشاهی)، ص ۵۸۸-۵۸۱، با استناد به مخمسی از این مجموعه از شاه طاهر دکنی و یا محمدطاهر وحید قزوینی (یرگ ۲۸۹ب)، با مطلع: «ساقی عشقت ای صنم زهر ستم سبو سبو / ریخت به ساغر دل‌م با می غم کدو کدو»، نادرستی انتساب آن قطعه شعر به طاهره را استنباط کرده‌اند.

در ایران که طیّ سنوآت ۱۰۹۸ ق. تا زمان وفاتش در سنهٔ ۱۱۱۷ ق. به درازا کشید، از ملازمان آن شاهزاده بوده است. شرح احوال شاهزاده محمداکبر گورکانی که از طرف مادر تبار صفوی داشت و ماجرای پناهندگی او به دربار ایران را تواریخ گورکانیان هند در سدهٔ دوازدهم هجری چون *منتخب‌اللباب* خوافی خان آورده‌اند.^{۲۳} از منابع صفویان نیز *دستور شهریاران* محمدابراهیم نصیری، شرح پناهندن آن شاهزاده به دربار اصفهان و حمایت دولت شاه سلطان حسین صفوی از عزیمت وی به قندهار جهت جلب حمایت سران افغان، بلوچ و راجپوت به امید دستیابی او بر تخت سلطنت هندوستان به تفصیل ذکر کرده است.^{۲۳}

کچکول جمال‌الدین محمد، حاوی رسالات گوناگون عرفانی، فقهی، ادبی، نجومی و تاریخی است. این کچکول علاوه بر آنکه دربردارندهٔ برخی متون و رسالات تاریخی است، از آن جهت که اغلب رسالات مجموعه دارای انجامه، دایره بر ذکر تاریخ و محلّ فراغت از استنساخ رسایل مزبور است، به لحاظ تاریخی حائز اهمیّت است. بعضی از انجامه‌های جمال‌الدین محمد حاکی از همراهی وی با شاهزاده محمداکبر است و جزئیاتی از حیات تاریخی وی خاصّه سال‌های اقامت آن شاهزاده در ایران را روشن می‌سازد.^{۲۴} گزینش کتب و رسایل مختلف در جنگ‌ها و مجموعه‌ها اغلب متأثر از طرز فرهنگ و ادب روزگار و شرایط حیات فکری و محیط اجتماعی وقت و نیز ذوق و مشرب گردآورندگان و تدوین‌کنندگان آن مجموعه‌ها بوده است. چنانکه به قول نصر الله پورجوادی در مورد مجموعهٔ فلسفی مراغه از اواخر سدهٔ ششم هجری، «صرف‌نظر از ارزش آثار موجود در این مجموعه به دلیل قدمت آن‌ها، گردآوری آن‌ها در یک مجموعه و کتابت آن‌ها در شهر مراغه، نکته‌ای را نیز از لحاظ تاریخ فلسفه در ایران برای ما روشن می‌سازد و آن این است که شهر مراغه در نیمهٔ دوم قرن ششم یکی از مراکز عمدهٔ تعلیم فلسفه در ایران بوده است.»^{۲۵} همو دربارهٔ اهمیّت سفینهٔ تبریز به قلم ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی از اوایل سدهٔ هشتم هجری می‌نگارد: «مطالب مندرج

۲۲. محمدهاشم خوافی خان نظام‌الملکی، *منتخب‌اللباب*، تصحیح مولوی کبیرالدین احمد صاحب، به اهتمام اشیاتک سوسیتی بنگاله (کلکته: مطبع مظهرالعجایب، ۱۸۷۴ م.)، ص ۲۹۰-۲۸۴.

۲۳. محمد ابراهیم نصیری، *دستور شهریاران*، به کوشش نادر نصیری مقدّم (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳)، ص ۹۸-۱۲۳.

۲۴. نگارنده پیشتر دربارهٔ انجامه‌های این نسخه در مقاله‌ای تحت عنوان «شاهزاده محمداکبر گورکانی در کچکول میر جمال‌الدین محمد حسینی جامی»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، جلد بیست و دوم (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۳)، ص ۳۸-۱، به تفصیل سخن گفته است.

۲۵. نصر الله پورجوادی، *پیشگفتار مجموعهٔ فلسفی مراغه*، چاپ عکسی از روی مجموعهٔ خطی موزّخ ۷-۵۹۶ متعلّق به کتابخانهٔ دکتر اصغر مهدوی، زیر نظر و با مقدمه‌های نصر الله پورجوادی (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰) ص: نُه.

در سفینه تبریز به دلیل آگاهی و ذوق کاتب و نویسنده نشان می‌دهد که چه آثاری در زمینه‌های مختلف در آن عصر، در شهر تبریز، مورد توجه بوده و احیاناً در مدرسه‌ها تدریس می‌شده است.^{۲۶} بنابراین در این مقال نیز مراد از سخن آن است تا از رهگذر توجه به نوع رسایل، تراجم و مرآئی دینی اعم از نظم و نثر که در تدوین این مجموعه خطی توسط میر جمال‌الدین محمد جامی، گزینش شده و در ساختار آن به کار رفته است، به طرز اندیشه مذهبی و ذوق عرفانی او که تحت تأثیر یکی از رایج‌ترین گرایش‌های مذهبی متداول در میان طرایق صوفیانه سنی یعنی تسنن دوازده امامی بوده است، پردازیم.

رویکرد جمال‌الدین محمد در گزینش متون فقهی و حدیثی

گرایش مذهبی صاحب این مجموعه خطی، میر جمال‌الدین محمد حسینی جامی به مذهب تسنن خصوصاً از طریق متون فقهی و حدیثی که در کچکول خود درج کرده، مشخص می‌شود. تقریباً تمام رسالات فقهی و حدیثی این کچکول مربوط به اهل سنت به خصوص فقه حنفی و شافعی است. عنایت ویژه جامع کچکول به نقل فرازهایی از دو کتاب مصابیح‌السنة و شرح‌السنة از تألیفات ابومحمد حسین بن مسعود الفراء البغوی، محدث و فقیه شافعی (متوفی ۵۱۶هـ)، همراه با نقل روایاتی از عایشه با قید عبارت (رضی الله عنها)^{۲۷} و نیز بخشی از شرح‌الوقایه تألیف عبیدالله بن مسعود مجوبی بخاری حنفی (متوفی ۷۴۷ق.) در فقه حنفی^{۲۸} از نمودهای آن است. او در عین حال متن کامل المقدمه فی الصلوة از ابواللیث نصر بن محمد سمرقندی حنفی (متوفی ۳۷۵ق.)، تیسیر الاحکام از قاضی شهاب‌الدین بن شمس‌الدین بن عمر الزاولی دولت‌آبادی معروف به شهاب شمس عمر دولت‌آبادی (متوفی ۸۴۸ق.)، فقیه مشهور اهل دولت‌آباد دهلی^{۲۹} در فقه مذهب حنفی به زبان فارسی و نیز منظومه فقهی حنفی به زبان فارسی موسوم به نام حق که بر حسب تصریح سراینده، ۶۹۳ سال بعد از رحلت پیامبر اکرم (ص) مقارن سال (۷۰۳ق.) سروده شده را مندرج ساخته است.

۲۶. نصر الله پورجوادی، «عرفان اصیل ایرانی در سفینه تبریز»، مندرج در مقدمه سفینه تبریز، گردآوری و به خط ابوالمجد محمد بن مسعود تبریزی، چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱)، ص: بیست و سه.

۲۷. میر جمال‌الدین محمد حسینی قادری جامی، کچکول میرجمال‌الدین محمد، نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۸۴۱، برگ ۶۰-۱۵۹؛ ۶۲.

۲۸. همان، برگ ۶۱-۱۶۱.

۲۹. میر غلامعلی بن نوح آزاد بلگرامی، سبحة‌المرجان فی آثار هندوستان (بمبئی: محمد ملک‌الکتاب شیرازی، ۱۳۰۳ق.)،

جمال‌الدین، منظومهٔ مزبور را به شرف‌الدین بوعلی قلندر پانی پهمته‌سی (پانی پتی) عارف و صوفی سده‌های هفتم و هشتم هجری هند و از اعقاب امام حنفیان، ابوحنیفه نعمان بن ثابت (متوفی ۱۵۰ ق.) منتسب ساخته است. تقی‌الدین محمد اوحدی صاحب *عرفات‌العاشقین* پانی پتی را از مصاحبان شمس‌الدین تبریزی و مولوی رومی و اصل او را از عراق اما زادگاه و مدفنش را پانی پت نامیده است.^{۳۰} لیکن در فهرست‌ها و نیز در چاپ آن اثر در بمبئی^{۳۱} و مشهد^{۳۲} از صاحب منظومهٔ نام حق، تحت عنوان شرف‌الدین بخارایی خراسانی نام برده شده است. چنان‌که مصنف، خود در خلال ابیات منظومهٔ خویش، بدین معنی تصریح دارد و میر جمال‌الدین محمد نیز در استنساخ خود از این تصنیف، ابیات مزبور را مندرج ساخته است:

این ترا یادگار از شرف است نام او در جهان به هر طرف است
در بخارا ست مولد و نسبش وز خراسان علوم و مُکتسبش^{۳۳}

به هر حال، جمال‌الدین محمد در جمادی‌الثانیهٔ سال ۱۱۱۸ ق. در مشهد مقدس کار استنساخ دو اثر فقهی ابواللیث سمرقندی و شرف‌الدین بخارایی خراسانی را در زمانی که حدود یک‌سال از درگذشت مخدومش شاهزاده محمداکبر و دفن وی در آن سامان سپری شده بود، به انجام رسانده است.^{۳۴} و کتابت *تیسیرالاحکام* را در ماه شوال سال ۱۱۱۰ ق. در فراه که به قول وی «از هرات چهل فرسنگ به طرف قندهار است»، در زمان حیات شاهزاده محمداکبر و با یادکرد از پادشاه وقت صفوی، «شاه سلطان حسین الصفوی بن شاه سلیمان بن شاه عباس ثانی»، به پایان برده است.^{۳۵} وی در انجامهٔ منظومهٔ فقهی نام حق علاوه بر انتساب آن منظومه به یکی از بزرگان صوفیه در هند، در خلال آن از تبار سیادت حسینی و پیوند طریقتی خویش با تعالیم عرفانی شیخ احمد جام مشهور به ژنده‌پیل و نیز از پیروی خود از طریقت شیخ عبدالقادر گیلانی، با قید آن‌ها در شهرت خویش به صورت «جمال‌الدین محمد حسینی قادری الزنده‌فیلی» یاد می‌کند.

۳۰. تقی‌الدین اوحدی حسینی دقاقی بلبانی اصفهانی، *عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*، ج ۴، تصحیح ذبیح الله صاحبکاری و آمنه فخر احمد با نظارت علمی محمد قهرمان (تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹)، ص ۱۹۶۹-۱۹۶۸.

۳۱. شرف‌الدین بخارایی خراسانی، «نام حق»، مندرج در مجموعهٔ فارسی، به اهتمام قاضی عبدالکریم بن قاضی نورمحمد صاحب پلندری (بمبئی: مطبع کریمی، ۱۳۱۸ ق.)، ص ۶۴-۵۳.

۳۲. شرف‌الدین بخارایی خراسانی، نام حق، به اهتمام عبدالقادر دهقان (مشهد: نسیم حجاز، ۱۳۹۳).

۳۳. میر جمال‌الدین محمد، برگ ۶۶ ب.

۳۴. همان، برگ «۵۶ب» و «۶۸ب».

۳۵. همان، برگ ۲۱۶ آ.

برجستگی کتب سیره، مقاتل و مراثی اهل بیت (ع) در کچکول جمال‌الدین محمد
 اهتمام به تاریخ ائمه اطهار (ع) بخش قابل توجهی از کچکول جمال‌الدین محمد را به خود اختصاص داده است. به گونه‌ای که وی متن کامل و بعضاً گزیده‌هایی از برخی متون شاخص در این حوزه را در کچکول خود گنجانده است. یکی از شاخص‌ترین آن‌ها، *روضه‌الشهدای ملاً حسین کاشفی* است که آن را تقریباً دو سال بعد از وفات مخدومش شاهزاده محمداکبر استنساخ کرده و کتابت آن را در ظهر روز چهارشنبه بیست و چهارم جمادی‌الثانی سال ۱۱۱۹ق. در جوار حرم حضرت امام علی بن موسی الرضا (ع) در مشهد مقدس به پایان برده است.^{۳۶} متن مزبور صرفنظر از افتادگی برگ اول آن، کامل است. جمال‌الدین محمد به دنبال *روضه‌الشهداء*، *مرثیه اهل بیت (ع)* از شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی و نیز *منظومه ضریرنامه* یا *انتقام‌نامه* از طغانشاه مشهور به ابن نظام در داستان ضریر خزاعی در خونخواهی امام حسین (ع) که در اواخر سده نهم به نام سلطان حسین بایقرا سروده شده را در کچکول خود گنجانده است.^{۳۷} لیکن از متن ضریرنامه تنها برگ نخست آن در نسخه حاضر بر جای مانده است. و در عنوان آن تاریخ سرایش اثر را به غلط، سال ۶۸۴ق. قید کرده است.

جمال‌الدین محمد گزیده‌ای از احوال پیامبر اکرم (ص)، اجداد، زوجات، فرزندان و دیگر خویشاوندان ایشان از کتاب *روضه‌الاحباب عطاءالله دشتکی شیرازی* را کتابت کرده که از آغاز و انجام افتادگی دارد.^{۳۸} جمال‌الدین محمد علاوه بر گزیده مزبور، در *لابلای مطالبی پراکنده از روضه‌الصفاء و حبیب‌السیر*، اخبار دیگری از *روضه‌الاحباب* را آورده است. کتاب *بحرالمناقب فی فضل علی بن ابی‌طالب (ع)*، تألیف علی بن ابراهیم حنبلی ملقب به درویش‌برهان از علمای حنبلی‌مذهب سده دهم هجری، اثر دیگری از کتب متضمن فضایل و مناقب اهل بیت (ع) است که در این کچکول جای یافته است.^{۳۹} جمال‌الدین محمد کار استنساخ این جزء از کچکول خود را در اوایل سلطنت شاه سلطان حسین صفوی در دارالسلطنه اصفهان در ظهر روز پنجشنبه، پنجم شوال سال ۱۱۰۶ق. در ایامی که در کنار مخدوم خود شاهزاده محمداکبر در آن شهر به سر می‌برده، به پایان رسانده است. جمال‌الدین محمد به دنبال رساله مزبور، به ذکر حدیثی از

۳۶. میر جمال‌الدین محمد، برگ ۳۴۶.

۳۷. همان، برگ ۳۴۶.

۳۸. همان، برگ ۱۹۷ب-۱۱۸۲.

۳۹. همان، برگ ۲۴۹-۲۱۷ب.

عبدالله بن عباس و ابوذر غفاری در نزول قرآن و دیگر متون مقدّس چون صحف ابراهیم، تورات، زبور داود و انجیل در ماه رمضان پرداخته و ذیل نقل حدیثی از کتاب الخرائج و الجرائح علامه قطب‌الدین راوندی (متوفی ۵۳۷ق.)، در احوال امّ کلثوم دختر امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع)، سلسلهٔ اساتید و اسناد محقق کرکی (متوفی ۹۴۰ق.) تا شهید اول (مقتول ۷۸۶ق.) را ذکر کرده است.^{۴۰} این مسأله بیانگر آن است که وی علی‌رغم آن که بیشتر به گزینش و گردآوری منابع و تصنیفات اهل سنت در کچکول خود پرداخته، در عین حال از توجه به تألیفات شیعیان نیز غفلت نورزیده است به طوری که حتی به سال ۱۱۸ق. یعنی حدود یک‌سال بعد از وفات شاهزاده محمّد اکبر، متن طریقهٔ استخاره‌ای که میرزا عبدالله افندی اصفهانی (متوفی ۱۱۳۰ق.) صاحب ریاض‌العلماء و حیاض‌الفضلاء به آن شاهزاده تعلیم داده بود را در کچکول خود به یادگار گذاشته است.^{۴۱}

وی همچنین جدولی از احوال پیامبر و دوازده امام (ع) را تحت عنوان «جدول کُنیت و القاب و کیفیت حالات حضرت رسالت‌پناه و ائمهٔ هدی صلوات الله و سلامه علیهم» ترسیم کرده است که دایر بر نام، کنیه، لقب، نام مادر، تعداد فرزندان، نقش انگشتر، مدّت زندگانی، محل ولادت، نام فرمانروای مقارن ولادت و وفات ایشان، روز و ماه و سال ولادت و وفات و نیز محل و سبب وفات و مدفن ایشان، می‌باشد.^{۴۲} البته در برخی تواریخ آن اغلاطی دیده می‌شود. چنانکه تاریخ ولادت امام جعفر صادق (ع) را سال ۵۷ و شهادت امام رضا (ع) را سال ۲۰۸ هجری نگاشته است. وی در این میان، تاریخ ولادت پیامبر اکرم (ص) را بر مبنای تاریخ اسکندری که کمتر در امور مذهبی مورد استفادهٔ مسلمانان بوده، نگاشته است و هر چند آن را به غلط «۱۰۰۸ سنه [من] الاسکندر رومی» ضبط کرده،^{۴۳} لیکن از آن جهت که برای یک مناسبت اسلامی چون ولادت پیامبر (ص)،

۴۰. میر جمال‌الدین محمد، برگ ۲۴۹ب.

۴۱. همان، برگ ۱۵۰ب.

۴۲. همان، برگ ۱۵۳-۱۵۲ب.

۴۳. با توجه به آن که مبدأ تاریخ اسکندری را، ۳۱۲ سال پیش از میلاد مسیح قرار می‌دهند، (ابوالفضل نبئی، گاهشماری در تاریخ، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱، ص ۶۴)، و واقعهٔ عام‌القیل و تاریخ ولادت پیامبر اکرم (ص) نیز از سوی برخی مورخان چون مسعودی، مقارن چهلمین سال سلطنت خسرو نوشیروان (۵۷۹-۵۳۱م) برابر سال ۵۷۰ میلادی قلمداد گشته، بنابراین تاریخ ولادت آن حضرت برابر با سال ۸۸۲ اسکندری می‌گردد. چنانکه مسعودی در مروج‌الذهب، ولادت پیامبر اسلام را پنجاه روز پس از عزیمت اصحاب فیل به مکه می‌نامد که روز دوشنبه سیزده روز مانده به پایان ماه محرّم سال هشتصد و هشتاد و دوم از روزگار ذوالقرنین (تاریخ اسکندری) خوانده است. نک: ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر، ترجمهٔ ابوالقاسم پاینده (تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷)، ج ۱، ص ۶۲۹.

به جای ذکر تاریخ عام‌الفیل از تاریخی غیر از مناسبت‌های مشهور در ایام‌العرب و یا سنجش آن با رویدادهای عمده روزگار حیات آن حضرت چون مبعث و هجرت، استفاده کرده، قابل توجه است. علی‌رغم اعتقاد جمال‌الدین محمد به مذهب تسنن، بازتاب منقبت و مدح اهل بیت و ائمه اثنی عشر (ع) در کچکول وی بسیار پررنگ و برجسته است. این موضوع به روشنی همگرایی صاحب کچکول و مخدوم وی شاهزاده محمداکبر را با اندیشه و گفتمان رایج اهل سنت در همدلی و نزدیکی آنان با تشیع دوازده امامی در دوران مغولی، تیموری و صفوی به خصوص در شرق جهان اسلام نشان می‌دهد. قرائت مذهبی که خاصه، متصوفه سنی که جمال‌الدین محمد خود از آن جماعت بوده، نماینده شاخص آن بوده‌اند. چنانکه بر حسب نوشته، باسانی، «نمونه‌ای از این نزدیکی، کتاب ادعیه و اوارد عرفانی *اوراد/الاحباب و فصوص‌الآداب*^{۴۴} صوفی سنی ابوالمفخر یحیی باخرزی، تألیف سال (۷۲۳ق. ۱۳۲۳م) است که مشتمل است بر اوارد و ادعیه مروی از ائمه هدی و در همه جا نامشان با دعای رضی الله عنه، همراه است.»^{۴۵} و نیز بنا بر نگاهشسته رسول جعفریان، قاضی میر حسین میبیدی، عالم سنی مذهب که در اثنای فشار صفویان در اوایل سده دهم هجری به قتل رسید، «عقایدش در کتاب شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع)^{۴۶} کاملاً نشانگر آن است که وی را می‌توان در شمار همین سنیان دوازده امامی شمرد. وی در یک مورد، ضمن بیان گزارشی کوتاه از تاریخ اسلام، شرح حال دوازده امام را آورده است.»^{۴۷} رویکردهای اصلی جمال‌الدین محمد در گزینش و گردآوری رسایل کچکولش و نیز شهرت قادری جامی ژنده‌پیلی وی و نیز تصریحات او نسبت به تعلقش به طریق صوفیه از جمله در برخی انجامه‌هایش و از همه عیان‌تر رساله‌ای که موسوم به «شجره پیران» به دست داده،^{۴۸} همگی آشکارا مبین شخصیت فکری و اجتماعی اوست.

۴۴. در این‌جا مراد باسانی، بیشتر ناظر بر جلد نخست آن اثر، *اوراد/الاحباب* است که محتوی اوارد و ادعیه عارفانه است و همچنان به صورت نسخه خطی باقی مانده است. و تا کنون تنها جلد دوم این کتاب، (*فصوص‌الآداب*) در بیان آداب صوفیان، با نشانی ابوالمفخر یحیی باخرزی، *اوراد/الاحباب و فصوص‌الآداب*، به کوشش ایرج افشار (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵)، به چاپ رسیده است.

۴۵. آ. باسانی، ص ۵۱۶.

۴۶. کتاب مزبور که یکی از مشهورترین آثار است که در شرح دیوان امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) در سال ۸۹۰ هجری قمری برابر با سال ۴۰۶ جلالی به رشته تحریر درآمده، به نشانی قاضی کمال‌الدین میر حسین میبیدی، شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیهما‌السلام، تصحیح حسن رحمانی و سید ابراهیم اشک شیرین (تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹)، منتشر شده است.

۴۷. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی، ص ۸۴۹.

۴۸. میر جمال‌الدین محمد، برگ ۳۵۱-۳۴۹ب.

بازتاب گزینش اشعار با مضامین شیعی در کچکول میر جمال‌الدین محمد

عنایت ویژه به پاره‌های اشعار با مضامین شیعی در مدح اهل بیت (ع) از شعرای بزرگ و پر آوازه‌ای که بعضاً توسط برخی تراجم‌نگاران شیعی چون قاضی نورالله شوشتری به تشیع متصف گشته‌اند، در کچکول میر جمال‌الدین محمد جامی از برجستگی خاصی برخوردار است. در این میان، با توجه به حسب و نسب ژنده‌پیلی میر جمال‌الدین محمد، بی‌مناسبت نیست که وی به عنوان یک صوفی سنی متشیع اثنی عشری، ابیات مشهور منتسب به شیخ احمد جام در منقبت ائمهٔ اثنی عشر (ع) را که بنا بر قول قاضی نورالله شوشتری در عصر صفوی بر سر زبان‌ها بوده است،^{۴۹} ذیل نام «حضرت زنده‌فیل، احمد جام» در کچکولش بدین گونه مرقوم ساخته است:

ای ز مهر حیدرم هر لحظه اندر دل صفاست	و از پی حیدر حسن ما را امام رهنماست
همچو کلب افتاده‌ام بر آستان بوالحسن	خاک نعلین حسین اندر دو چشمم طوطیاست
عابدین تاج سر و باقر دو چشم روشنم	دین جعفر بر حق است و مذهب موسی رواست
ای موالی وصف سلطان خراسان را بگو	دزه‌ای از خاک قبرش دردمندان را شفاست
پیشوای ^{۵۰} مؤمنان است و مسلمانان تقی	گر نقی را دوست داری در همه مذهب رواست
عسکری نور دو چشم عالم و هم آدم است	همچو مهدی یک سپه‌سالار در عالم کجاست
قلعهٔ خیبر گرفته آن شهنشاه عرب	زان که در بازوی حیدر نامهٔ الا فتا است
شاعران از بهر سیم و زر سخن‌ها گفته‌اند	احمد جامی غلام خاص ^{۵۱} شاه اولیاست ^{۵۲}

می‌توان گفت که جمال‌الدین محمد در راستای علایق و رویکردهای اثنی عشری در اندیشهٔ عرفانی و طریقت‌مآب خویش، ذیل ابیات شیخ احمد جام، مدیحهٔ منتسب به «حضرت ملای روم» در ذکر منقبت اهل بیت (ع) را نیز به قرار زیر درج کرده است:

دل‌م از جان، غلام مهر دین است	خدا داند که ربّ العالمین است
محمد بهترین هر دو عالم	حبیب اولین و آخرین است
علی مرتضی شاه سرافراز	[امام] ^{۵۳} بر حق و سالار دین است

۴۹. قاضی نورالله شوشتری، مجالس المؤمنین، به کوشش سید احمد عبدمنافی (تهران: کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۷)، ج ۲،

ص ۳۹-۴۰.

۵۰. اصل: پیشوایی.

۵۱. اصل: خاصه. از قاضی نورالله شوشتری، ج ۲، ص ۴۰ نقل شد.

۵۲. میر جمال‌الدین محمد، برگ ۲۵۰.

۵۳. یک کلمه در اثر وصالی محو شده است. تصحیح قیاسی گردید.

حسن سرّ نبوت پاک [و] معصوم
 علی زین‌العباد [و] وصف آن شاه
 شناسم باقر و جعفر به تحقیق
 علی موسی رضا هشتم امام است
 تقی را با نقی خوانم به هر حال
 امام مهدی آید هم به دوران
 کُشد دَجّال را با دابّة الارض
 غلام حیدر است مَلای رومی
 حسین اندر ولایت چون نگین است
 مرا صدر امامان گزین است
 پس آنکه موسی کاظم یقین است
 که هفتم آسمان پیشش زمین است
 حسن را عسکری دانم گزین است
 کمینه چاکرش روح‌الامین است
 دران دم فتح کاری مسلمین است
 همین است و همین است و همین است^{۵۴}

هر چند قاضی نورالله شوشتری اشعار متعدّدی از مولوی در منقبت اهل بیت (ع) را در مجاس‌المؤمنین آورده است، لیکن از قطعه شعر فوق تنها به ذکر دو بیت آن بسنده کرده است که بیت پایانی آن با ضبط جمال‌الدین محمد برابر است. اما بیت نخست آن از قرار ذیل است:

هر آن کس را که مهر اهل بیت است ورا نور ولایت در جبین است^{۵۵}

از آن جا که جمال‌الدین محمد، مثنوی ظهوری ترشیزی را با عنوان «در منقبت شهنشاهی که مدینه نبوت را در است»، در روز شنبه دوازدهم ربیع‌الاول سنه ۱۱۱۷ ق. در مشهد مقدّس به قلم آورده است،^{۵۶} و نیز در دیگر اجزایی که وی در کچکولش به جنگ اشعار اختصاص داده، رقم مشهد به چشم می‌خورد، می‌توان استنباط کرد که ظاهراً وی دو قطعه شعر فوق را نیز در جوار حرم مقدّس رضوی کتابت کرده است.

اشعار منتسب به حافظ شیرازی در منقبت اهل بیت (ع) از دیگر نموده‌های توجّه جمال‌الدین محمد به مضامین شیعی است که در جنگ اشعار کچکول وی بازتاب یافته است.^{۵۷} اشعار مزبور عبارت از «مسدّس خواجه حافظ شیرازی در منقبت امام ضامن علیه‌السلام»، و چهار قصیده از جمله «قصیده به عروسی رفتن حضرت خاتون جنّت، حضرت فاطمه علیها‌السلام»، می‌باشند. در این میان، جز قصیده اخیر، باقی قصاید در تدوین شاهزاده فریدون میرزا تیموری از دیوان حافظ موجود است. اما از آنجا که آن را در میان اشعار منتسب به حافظ ذکر کرده، ظاهراً جمال‌الدین محمد با پندار تعلق آن به حافظ، نسبت به استنساخ آن در میان دیگر اشعار منتسب به وی مبادرت کرده

۵۴. میر جمال‌الدین محمد، برگ ۲۵۰ ب.

۵۵. قاضی نورالله شوشتری، ج ۲، ص ۱۱۱.

۵۶. میر جمال‌الدین محمد، برگ ۲۵۱ ب.

۵۷. همان، برگ ۲۷۸-۲۷۷ آ.

است. پیشتر، قصیده مزبور همراه با قصیده دیگری در منقبت حضرت زهرا (س) بر اساس نسخه‌ای از نیمه اول سده دهم هجری، کتابت سال‌های ۹۴۴ تا ۹۴۶ ق. متعلق به کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی قم در مقاله‌ای تحت عنوان «معرفی دو قصیده قدیمی در مدح حضرت فاطمه (س)، احتمالاً از آسیای صغیر» منتشر شده است.^{۵۸} بر حسب آن پژوهش، قصاید مزبور از دو شاعر ناشناس با تخلص‌های بیدلی و ایوب حاجب می‌باشد که به احتمال از شاعران اهل سنت در سده نهم یا اوایل سده دهم هجری بوده و با توجه به رسم الخط و ساختار مجموعه خطی حاوی آن قصاید، تعلق آن دو شاعر ناشناس را به مردم آناتولی و رعایای دولت عثمانی محتمل شمرده شده است. قصیده مورد نظر این مقال، در نسخه مرعشی نجفی عنوان «رفتن فاطمه زهراء بتول العذراء به سوی دختر عبدالعزیز» را دارد. و در خلال ابیات پایانی آن، سراینده آن بیدلی، بدین گونه از تخلص خود یاد کرده است:

بیدلی شاعرم بنده آل رسول کرده‌ام اوقات خویش صرف درین روزگار^{۵۹}
ضبط جمال‌الدین محمد از این قصیده با نسخه مرعشی نجفی علاوه بر عنوان در خلال ابیات قصیده نیز اختلافاتی دارد. و از انتها نسبت به نسخه مرعشی نجفی در حدود یک‌سوم آن افتادگی دارد. بنابراین بیت فوق که متضمن نام سراینده آن بوده نیز در کچکول جمال‌الدین محمد موجود نیست. از موجود بودن بیت مزبور پیش از افتادگی‌های کچکول وی بی‌اطلاعیم. لیکن گنجاندن آن در میان اشعار منتسب به حافظ تأمل آور و جای بسی شگفتی دارد. به هر تقدیر ضبط جمال‌الدین محمد از قصیده مذکور بدین قرار می‌باشد:^{۶۰}

باز به طرف چمن از اثر نوبهار	آنچه دل غنچه داشت کرد همه آشکار
لاله پژمرده باز زندگی از سر گرفت	باد مسیحا نفس کرد به بستان گذار
مجلس عشرت‌سرشت بلبل سرمست باز	غنچه صراحی شد و لاله شدش کاسه‌دار
شد چمن آراسته سرو سر افراشته	مقنعه برداشته دختر گل از عذار
از طرف جویبار خیمه زده نارون	خیمه‌زنان نارون بر طرف جویبار

۵۸. جواد بشری، «دو قصیده قدیمی در مدح حضرت زهرا (ع)،» مندرج در بخش کتاب و کتاب‌پژوهی (پابرج ۱۱) از مجله آینه

پژوهش، شماره ۱۳۰ (تهران: ۱۳۹۰)، ص ۶۸-۶۴.

۵۹. همان، ص ۶۷.

۶۰. نگارنده پیشتر گزیده‌ای از این قصیده را مشتمل بر هفت بیت آن در مقاله «شاهزاده محمداکبر گورکانی در کچکول میر

جمال‌الدین محمد حسینی جامی»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، ج ۲۲ (تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۳)، ص ۲۵، مندرج

گردانیده است.

چون سپر و نیزه حیدر دُلْدُل سوار^{۶۲}
 نخل به تعظیم کرد نقد [شکوفه نثار]
 تیغ پر از جوهری آمده چون ذوالفقار
 ابر کف بحر کرد پر ز^{۶۴} دُر شاهوار
 منتظر خدمتند جمله به لیل و نهار
 نرگس بیمار را دیده به ره انتظار
 مجمره لاله شد منقل مشک تثار
 بنت نبی خدا مادر دو شهسوار
 زاده احمد کند سوی گلستان گذار
 عصمت دنیا و دین سیده روزگار
 رفته به گیسوی خویش حور زرویش^{۶۵} غبار^{۶۶}
 گوش خرد بر گشا حرف مرا گوش دار
 نیست درین اعتراض نیست درین عیب و عار
 کرد به حکم خدا دین به خَلْق آشکار
 خاص خدا بود از آن زار و ذلیل و فگار
 کس نشدی پیش اوزین همه خویش و تبار
 مادر او رفته بود جانب دارالقرار
 روزه گشودی به هم آن دو عزیز^{۶۷} کبار
 یکه و تنها بتول بود مدام اشکبار
 بهر عروسی تمام در پی گفت و گذار
 جمله زنان عرب پر زر و زیور نگار

گشته قرین هر طرف خار و گل اندام او^{۶۱}
 گل به تکلف نهاد [خوردن زر در طبق]^{۶۳}
 موج زنان آب جو صورت او در نظر
 دهر به طرف چمن فرش زمرد فکند
 سوسن و نسرين و گل همچو کنیزان خاص
 دامن خود پر عبیر کرده گل نسترن
 غنچه و گل در چمن گشت چو ابریق و طشت
 حضرت خیرالنساء زوج ولی خدا
 تا مگر از روی لطف همچو نسیم بهشت
 گوهر دُرچ ثمین اختر برج امین
 در حرمش جبرئیل آمده دست آس کش
 از صفت ذات او شمه‌ای گویم به تو
 کین سخن معتبر هست ز جایی دگر
 هست روایت که چون حضرت شاه رسل
 دشمن او شد عرب از سر شور و شغب
 گر چه همه خویش او لیک پی ریش او
 حضرت خیرالنساء بود انیس پدر
 شب چو شدی مصطفی سوی مقام آمدی
 روز چو کردی رسول گوشه طاعت قبول
 بود میان قریش عشرت و شادی و عیش
 نامزدی مشرکی دخترکی کافری

۶۱ یک کلمه در اثر وصالی کاغذ، محو شده است. تصحیح قیاسی گردید.

۶۲ نسخه مرعشی این بیت را ندارد.

۶۳ ادامه مصرع در اثر وصالی کاغذ ساقط شده است. از اینجا به بعد هر جا در اثر وصالی محو شده، در درون قلاب بر اساس

گزارش جواد بشری از ضبط نسخه مرعشی نجفی نقل شد.

۶۴ اصل: زز.

۶۵ یک کلمه در اثر رطوبت مخدوش شده است. تصحیح قیاسی گردید.

۶۶ نسخه مرعشی: «حور به گیسوی خود رفته ز راهش غبار». به نقل از جواد بشری، ص ۶۵.

۶۷ اصل: عزیز.

خواهر بوجهل بود پر حلل و زرنگار
 هند هم از جانبین کرده حمایل قطار
 هست مرا یک سخن می‌کنم [اظهار کار]
 دولت ما بر دوام جامهٔ ما زر [نگار]
 فاطمه را آوریم تا به عروسی بدار
 جامهٔ ما خود زرین جامهٔ او پاره پار
 چند کنیز دگر خدمت ما را به کار
 وین زر و اموال ما زود شود شرمسار
 خاطرشان جمع شد در دم از آن^{۶۸} نابکار
 وی سر پیغمبران وی نبی کردگار
 گر تو نه‌ای یار ما ما همه هستیم یار
 لطف تو بی‌حد بود حاجت ما را برآر
 کو ز عروسی ما بر نگرمت اعتبار
 تا شود از نکه‌تس مجلس [ما مشکبار]
 رفت بر فاطمه کای تو مرا غمگسار
 چیست بگو مصلحت تا دهم آن را قرار
 عارض او بر فروخت همچو گل نوبهار
 غیبت من می‌کنند جمله به لیل و نهار
 در پی خدمت بدند بر در ما بنده‌وار
 شد همه را این زمان جامه دو سه و چهار
 من چه کنم ای پدر یک تن تنها و زار
 نیست مرا چادری [نیست مرا گوشوار]
 من چو غریبان روم جانب [چندین هزار]^{۶۹}؟
 دختر عبدالعزیز جامهٔ زرباف‌دار

گشته زن بوله‌ب چون بت آراسته
 دختر عبدالعزیز^{۶۸} چهره برافروخته
 خواهر بوجهل گفت با همگی [خواهران]
 هیچ‌گه اندر عرب سور نبود [این چنین]
 پیش محمد رویم در طلب دخترش
 چون نگرد زیب ما خسته شود خاطرش
 گردن ما پر ز در پای به خلخال زر
 فاطمه چون حال ما بیند و احوال ما
 جمله زنان عرب چون بشنیدند این
 پیش محمد شدند کای شه علم‌الیقین
 ما همه خویش توئیم گر چه تو بیگانه‌ای
 پیش تو زان آمدیم چونکه تویی فخر ما
 هیچ‌کس اندر عرب نیست ز خورد و بزرگ
 فاطمه مخدوم ماست [همره ما می‌کنی]
 حضرت شاه رسل چون شنید این سخن
 جمله زنان عرب آمده‌اند از پی‌ات^{۷۰}
 فاطمه چون این شنید آه ز دل برکشید
 گفت زنان عرب دشمن جان من‌اند
 بود چو مادر مرا این همه در صبح و شام
 مادر ما چون نماند هر یکی خاتون شدند
 جمله به زیب تمام خواه خواص و ز عام
 نیست مرا خادمی [نیست مرا زینتی]
 مادر من زنده نیست [ای پدر مهربان]
 خواهر بوجهل را خلعت نه تویی^{۷۱} بئر

۶۸ اصل: عبدالعزا. کنایه از ابوله‌ب است. نسخهٔ مرعشی نجفی: عبدالعزیز.

۶۹ اصل: زان.

۷۰ اصل: پیت.

۷۱ اصل: نه تو.

شاه رسل چون شنید این سخن از دخترش فاطمه در گریه شد دود برآمد به عرش از حرم کبریا روح قدس در رسید فاطمه را کن روان سوی عروسی بران گفت به دختر رسول حکم شد از حق به تو [فاطمه چون] این شنید گفت که فرمان برم چون بشنید این سخن حضرت [جبریل گفت] من بروم از بهشت جامه بیارم ترا

آه ز دل برکشید دیده شدش اشکبار احمد مرسل گرفت زود سرش در کنار گفت که یا مصطفی حکم شد از کردگار قوم عرب را مده بیش ازین انتظار خیز و روانی برو هیچ توقع مدار^{۷۲} [من به عروسی] روم با سر و پایم چه کار فاطمه را یا نبی گوی که دل [جمع دار] کز ید قدرت بود رشته ورا تارتار^{۷۳}

جمال‌الدین محمد در جریان گردآوری احوال، مرثی و مدایح اهل بیت (ع)، علاوه بر توجه به متون شاخص و گزیده‌ای از برخی اشعار، از پاره‌ای اخبار روزگار خویش مرتبط به این حوزه نیز غفلت نورزیده است. چنانکه وی متن نامه‌ای را در میان می‌نهد که مضمون آن خبر کشف قطعه سنگی شگفت‌انگیز در حین لایروبی نهرهای شوشتر به سال ۱۱۰۳ است. بنا بر اظهارات آن نامه، سنگ مزبور منقور به کتیبه‌ای به خط نسخ کوفی امیری در ذکر شهادت امام حسین (ع) در کربلا و به قرار زیر بوده است: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ؛ قَتَلَ الْإِمَامَ الشَّهِيدَ الْمَظْلُومَ الْحُسَيْنَ بْنَ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ بِكَرْبَلَا وَ كُتِبَ دَمَهُ بِأَذْنِ اللَّهِ وَ حَوْلَهُ عَلَى أَرْضِ وَ حِصَا، سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيْ مَن قَلْبٌ يَنْقَلِبُونَ»^{۷۴}.

صاحب نامه بیان می‌دارد که سرکار و سرپرست مقنن آن سنگ مکتوب را برای فتحعلی خان والی شوشتر فرستادند. والی مزبور باید همان فتحعلی خان بن واخشتو خان باشد که به قول میر عبداللطیف خان شوشتری صاحب *تحفة العالم و ذیل التحفه* از غلامان خاصه شریفه سلاطین صفویه بود و در روزگار شاه سلیمان صفوی، حکومت شوشتر اعم از بلد و بلوک آن به وی تعلق داشت^{۷۵} و پل شوشتر موسوم به پل قیصری را تعمیر نمود.^{۷۶} به هر حال فتحعلی خان نیز پس از دریافت آن

۷۲. در حاشیه، بیت مذکور بدین گونه تکرار شده است:

گفت به دختر رسول حکم شد از ذوالجلال [سوی] عروسی برو هیچ توقف مدار

۷۳. میرجمال‌الدین محمد، برگ ۲۷۷ب. ادامه قصیده ساقط شده است. نسخه مرعشی نجفی ۲۹ بیت اضافه بر این دارد. برای اطلاع از ابیات مزبور به (جواد بشری، *مجله آینه پژوهش*، شماره ۱۳۰، ص ۶۸-۶۴)، مراجعه شود.

۷۴. میر جمال‌الدین محمد، برگ ۱۷۹ب.

۷۵. میر عبداللطیف خان شوشتری، *تحفة العالم و ذیل التحفه*، تصحیح صمد موحد (تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳)، ص ۱۰۱.

۷۶. همان، ص ۵۱.

سنگ مکتوب، از باب تبرک آن را به دربار اصفهان نزد شاه وقت صفوی، شاه سلیمان گسیل داشت. گفته می‌شود که هنرمندان و صنعتگران دربار اصفهان با بررسی این قطعه سنگ و کتیبه آن که به شیوه‌ای استادانه و در کمال ظرافت بوده است، در حیرت بوده‌اند.^{۷۷}

نتیجه‌گیری

جمال‌الدین محمد با کچکول خویش تصویر روشنی از تداوم و استمرار فرهنگ و اندیشهٔ تصوّف سنّی متشیّع اثنی عشری موسوم به سنّی دوازده امامی را در اواخر عصر اقتدار صفویان و تیموریان هند، مقارن پایان سدهٔ یازدهم و اوایل سدهٔ دوازدهم هجری در پیوند با سنّت فکری و مذهبی که دست‌کم از دوران مغول و تیموری به شکل وسیعی پدیدار گشته بود، به دست داده است. وی با گنجاندن متن کامل یا گزیده‌ای از متون گوناگون تاریخی، حدیثی، فقهی و ادبی از نویسندگان شیعه و سنّی که احوال و مدح اهل بیت (ع) از مضامین برجستهٔ آنهاست، آمیزه‌ای جالب از همگرایی فکری اهل تسنن با اهل تشیّع در قالب رویکردها و آموزه‌های شاخص تصوّف اسلامی در آن روزگار در معرض دید خوانندگان کچکولش قرار داده است. او از حیث سیاسی و اجتماعی نیز طی سال‌هایی که مشغول گردآوری و تدوین کچکول خویش بوده است، به عنوان ملازم یک شاهزادهٔ گورکانی پناهنده به دربار ایران، شاهزاده محمداکبر، که از ناحیهٔ مادر از تبار صفوی هم برخوردار بود، در یادکردهای احترام‌آمیز خویش نسبت به پادشاهان وقت ایران و هند، شاه سلطان حسین و اورنگ‌زیب، نگاهی یکسان و متعادل را به دولت‌های شیعی و سنّی وقت در دو حوزهٔ بزرگ فرهنگ و تمدن اسلامی و قلمرو زبان و ادب فارسی بازتاب داده است. و این البته حکایت از هم‌سنخی و تأثیر متقابل اندیشه و باورهای مذهبی و سیاسی طیف اجتماعی دارد که او به عنوان نماینده‌ای از ایشان در آرایش معنی‌دار کچکولش به بازگویی آن پرداخته است.

کتابنامه

آزاد بلگرامی، میر غلامعلی بن نوح. *سبحهٔ المرجان فی آثار هندوستان*. بمبئی: محمد ملک‌الکتاب شیرازی، ۱۳۰۳ ق.

ابوئی مهریزی، محمدرضا. «شاهزاده محمداکبر گورکانی در کچکول میر جمال‌الدین محمد حسینی جامی». *پژوهش‌های ایران‌شناسی*. ج ۲۲. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۳. ص ۳۸-۱.

اوحدی حسینی دقّاقی بلیانی اصفهانی، تقی‌الدین. *عرفات‌العاشقین و عرصات‌العارفین*. تصحیح ذبیح الله

- صاحبکاری و آمنه فخر احمد با نظارت علمی محمد قهرمان. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- باخرزی، ابوالمفاخر یحیی باخرزی. *اورادالاحباب و فصوص الآداب*. به کوشش ایرج افشار. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۵.
- بخارایی خراسانی، شرف‌الدین. *نام حق*. به اهتمام عبدالقادر دهقان. مشهد: نسیم حجاز، ۱۳۹۳.
- _____ . «نام حق». *مجموعه فارسی*. به اهتمام قاضی عبدالکریم بن قاضی نورمحمد صاحب پلندری. بمبئی: مطبع کریمی، ۱۳۱۸ق. ص ۶۴-۵۳.
- بشری، جواد. «دو قصیده قدیمی در مدح حضرت زهرا (ع)». *مندرج در بخش کتاب و کتاب پژوهی (پابرج ۱۱) از مجله آینه پژوهش*. شماره ۱۳۰. ۱۳۹۰. ص ۶۸-۶۴
- بغدادی، یوسف بن قر اوغلی (سبط بن الجوزی). *تذکره الخواص من الامة بذكر خصائص الائمة*. تصحیح حسین تقی زاده. بیروت: المجمع العالمي لاهل البيت، ۱۴۳۳ق.
- بناکتی، فخرالدین داود. *روضه اولی الالباب فی معرفة التواریخ و الانساب*. تصحیح جعفر شعار. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۸.
- بویل، جی. آ. (گردآورنده). *تاریخ ایران کمبریج*. ج ۵. *تاریخ ایران از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان*. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۱.
- تبریزی، ابوالمجد محمد بن مسعود (گردآورنده و کاتب). *سفینه تبریز*. چاپ عکسی از روی نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- جعفریان، رسول. *تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا طلوع دولت صفوی*. تهران: نشر علم، ۱۳۸۸.
- _____ . «فتوح المجاهدین و نقد ملا محمدطاهر قمی». *مجله آینه میراث*. سال چهارم. شماره ۳۳ و ۳۴. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۵. ص ۱۹۴-۱۸۰.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد. *دیوان حافظ*. نسخه فریدون میرزا تیموری. به اهتمام احمد مجاهد. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.
- حسینی قادری جامی، میر جمال‌الدین محمد. *کچکول میرجمال‌الدین محمد*. نسخه خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۸۸۴۱.
- حکیم، سید محمدحسین. *فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی*. ج ۲۹. به کوشش تهران: کتابخانه و موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰.
- خنجی اصفهانی، فضل‌الله بن روزبهان. *وسيلة الخادم الی المخدم*. به کوشش رسول جعفریان. قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی - گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی، ۱۳۷۲.
- خوافی خان نظام‌الملکی، محمدهاشم. *منتخب‌اللباب*. تصحیح مولوی کبیرالدین احمد صاحب. به اهتمام اشیا تک سوسیته بنگاله. کلکتہ: مطبع مظهرالعجایب، ۱۸۷۴م.
- شوشتری، قاضی نورالله. *مجالس المؤمنین*. به کوشش سید احمد عبدمنافی. تهران: کتابفروشی اسلامی، ۱۳۷۷.

شوشتری، میر عبداللطیف خان. *تحفه العالم و ذیل التحفه*. تصحیح صمد موحد. تهران: کتابخانه طهوری، ۱۳۶۳.

الشیبی، کامل مصطفی. *تشیع و تصوف تا آغاز سده دوازدهم هجری*. ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۹.

_____ . *همبستگی میان تصوف و تشیع*. ترجمه علی اکبر شهایی. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
فتوح المجاهدین فی رد المتدلسین. نسخه خطی. کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۰۷۲۰.
کاشفی بیهقی، کمال‌الدین حسین. *روضه الشهداء*. تصحیح محمد روشن. تهران: صدای معاصر، ۱۳۹۱.
کربلائی تبریزی، حافظ حسین. *روضات الجنان و جنات الجنان*. تصحیح جعفر سلطان‌القزائی. تبریز: انتشارات ستوده، ۱۳۸۳.

لاری، مصلح‌الدین محمد. *مرآت‌الادوار و مرقات‌الاجبار*. تصحیح سید جلیل ساغروانیان. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۳.

مجم‌التواریخ و القصص. تصحیح ملک‌الشعراء بهار. تهران: کلاله خاور، ۱۳۱۸.
مجموعه فلسفی مراغه. چاپ عکسی از روی مجموعه خطی مورخ ۷-۵۹۶ متعلق به کتابخانه دکتر اصغر مهدوی. زیر نظر و با مقدمه‌های نصر الله پورجوادی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۰.
محیط طباطبایی، سید محمد. «پژوهشی در قطعه شعری منسوب به طاهره قره‌العین در کتب بهاییان». *مجله گوهر*. شماره ۵۶. ۲۵۳۶ شاهنشاهی. ص ۵۸۸-۵۸۱.

مستوفی قزوینی، حمدالله. *تاریخ گزیده*. تصحیح عبدالحسین نوائی. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴.
_____ . *ظفرنامه به انضمام شاهنامه ابوالقاسم فردوسی به تصحیح حمدالله مستوفی*. چاپ عکسی از روی نسخه خطی مورخ ۸۰۷ هجری در کتابخانه بریتانیا (OR.۲۸۳۳). تهران - وین: مرکز نشر دانشگاهی و انتشارات آکادمی علوم اتریش، ۱۳۷۷ش. / ۱۹۹۹م.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین. *مروج الذهب و معادن الجواهر*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۷.

میبدی، قاضی کمال‌الدین میر حسین. *شرح دیوان منسوب به امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام*. تصحیح حسن رحمانی و سید ابراهیم اشک شیرین. تهران: مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۹.

نبئی، ابوالفضل. *گاهشماری در تاریخ*. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۱.
نصرآبادی، محمدطاهر. *تذکره نصرآبادی*. تصحیح احمد مدقق یزدی. یزد: مؤسسه انتشارات دانشگاه یزد، ۱۳۷۹.

نصیری، محمدابراهیم. *دستور شهریاران*. به کوشش نادر نصیری مقدم. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳.

نقشبندی یزدی، سعید. *دیوان سعید/ نقشبندی*. تصحیح رضیه رضائی تفتی. تهران: انتشارات ثریا، ۱۳۸۷.

۱۳۶

۴۱۵ فرض آن عمده روزه را تا پایی ز روزه نیست روز که رو انمود در قضا جز نباشد و انمود همچون که طلب کنی نیست روزه جز نباشد کنی

یک هر وقتی و نوافل تا به پیش از نزل است و فصل دوم در بیان باب است که در احکام موندان در هر کسی که در جماعت است می نشاید در اقامت کرد

مکن و پیش در کس و جوید نیست نقصان روزه تو بهیچ حکم که در زمان بخشد روزه است که از دست ندهد روزه باقی بود ولی کرده در کرامت ممانس بی انده

کر کسی صبح و وقت برسد بر سر چشم نیست جرم نان که بر هفتلی خائنه علما اندین چه فرمایند که حضرت است در و باشد بی ضرورت چنین خطاب است

بقا هموشی خردی و خورد است هر دو تراستی و روزه است بخورد و باقی که تو میری که از دست ندهد و در بقا است در آن است لازم آید قضا و کفارت

که خوری ز آنچه افتد انبوه بر و لازم جز قضا نبوده همچون که کلید است انبوه بود درین که کلید است که تو چون در طوع و کفر کنی پس بر جوی از برای جوی کنی

نزد عثمان قضای با پر کرد آنچه خورد است از بار پر کرد **باب دوم در بیان کفارت روزه** که قضای کرد در خوردن چهار روزه جماعت کردن در خاتمه کتاب تو باید ماه جهاد که رمضان

شست می که علم باید داد یا یکی نده در مثل آزاد یا دو سه روزه را پایی در روز تا شوی از حیث نظر از برای تو انقدر کفتم یاد که بر کس محض کفتم

هر که این را بعد از وقت واجب و فرض و نفل در روزم از نیت در روزان از نیت و قضا بیان آن که رسم هر آنچه صحیح کنند و رقیع بود ملج کنند

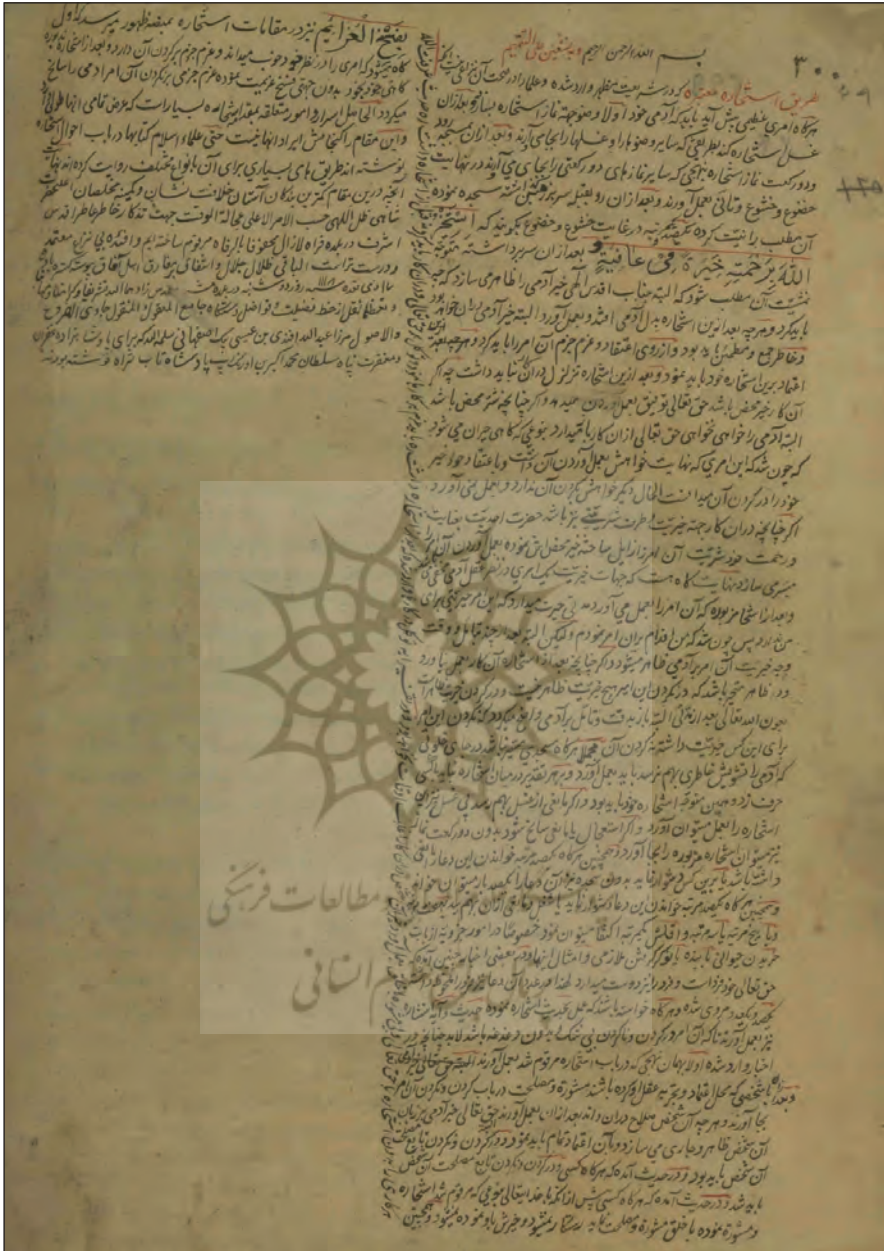
نود و سه چونت و شصت از وفات سوال آسالم نیت بود از جمادی الاول تا جمادی الاخر که چو این نیت که می کند تا فکر را عمار خواهد بود از نیت یاد کار خواهد بود

تو نماز را عظیم باشد در نماز راه نیت باشد رحمت حق در نماز تو بهیچ باز گوینده و نویسنده از آنکه سکوت چه در بیان بر سر و بال و بر بیان

گشته شد بر نماز سجانه بدعا یا در آن جو بر تو آقا قاری بر من که چندین است که خطای رویش باشد در آن خطای رویش را هیچ از کرم و الله اعلم بالصواب

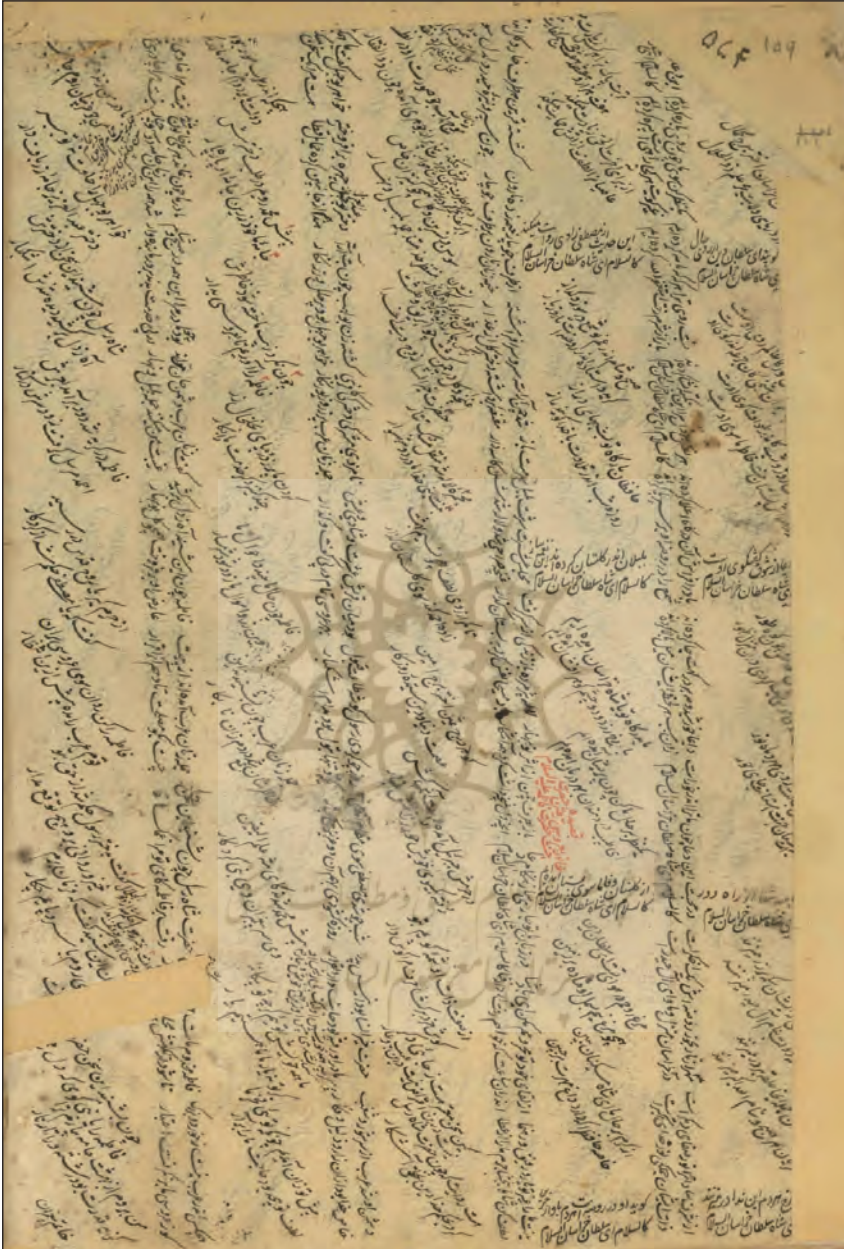
مت تمام شد کتاب نام حق در علم فخر از معنیفات شاه شرف الدین بو علی قلندر پانی بهتیمی تاریخ پیشت و دوم شهر جمادی الاول ۱۰۰۰ روز چشمت بنه بوت فلور در راه لایب ششم به مقدس بخط جمال الدین محمد حسینی الزبده فیلی غزاله ذوق و دست نویسه

صفحه انجامه منظومه نام حق در فقه حنفی از شرف الدین بخاری خراسانی منسوب به شاه شرف الدین بوعلی قلندر پانی پتی



طریقهٔ استخارهٔ میرزا عبدالله افندی اصفهانی صاحب ریاض العلماء و حیاض الفضلاء برای

شاهزاده محمد اکبر گورکانی



قصیده به عروسی رفتن حضرت فاطمه زهرا (س) و مسدس منتسب به حافظ در منقبت امام رضا (ع)